

بسم الله الرحمن الرحيم

خطاب به گروه طالبان:

آن همه خیانت و جنایات را این چنین پاسخ می‌دهید؟

(ترجمه)

سهیل شاهین سخنگوی دفتر گروه طالبان در قطر اعلان نمود که گروهش به زودی با امریکای اشغال‌گر در مورد صلح به توافق می‌رسد. وی که به تاریخ 25 جولای 2019م با آژانس خبری "تاس" روسیه صحبت می‌نمود، گفت: «نمی‌توانم به جزئیات بپردازم، زیرا گفتگوها هنوز جریان دارد؛ اما می‌توانم بگویم که بجز یک یا دو بند دیگر چیزی تا رسیدن به توافق نهائی نمانده و پس از دستیابی به این دو بند، امضای توافق صلح با ایالات متحده اعلان شده و پس از آن به مذاکرات بین‌الافغانی خواهیم پرداخت.»

برای هیچ‌کسی پوشیده نیست که امریکا دولتی اشغال‌گر، قاتل و ویران‌گری است که افغانستان را بدون هیچ حقی اشغال نموده و میلیون‌ها تن از مردم مقاوم و بی‌دفاع آن را کشته و یا زخمی کرده و سرزمین آنان را ویران نمود؛ پس هیچ‌شکی در دشمنی و جنایت امریکا وجود ندارد. اینک پرسش این است که جزای چنین متجاوز و خون‌خواری چیست؟ کم‌ترین آن، اینست که سرافکنده و شکست‌خورده بیرون رانده شود و به خاطر جنایت‌هایی که در حق مسلمانان بی‌گناه، بی‌دفاع و مجاهد مرتکب شده مورد بازپرس و مجازات قرار گیرد.

چگونه می‌توان با چنین هیولای خون‌خوار به توافق صلح رسید؟ در حالی که پروردگار جهانیان در مورد متجاوزین و کسانی که مؤمنین را از شهر و دیارشان آورده کرده اند، می‌فرماید:

﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمُ﴾ [بقره: 191]

ترجمه: و آنان را بکشید، هر جا ببینید و بیرونشان کنید؛ از همان جا که شما را بیرون نمودند!

و می‌فرماید:

﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾ [بقره: 194]

ترجمه: هر که به ستم بر شما دست دراز کند، او را از پای در آورید؛ به قدر ستمی که به شما رسانده است و از الله پروا کنید و بدانید که الله با پرهیزکاران است.

گروه طالبان با بستن پیمان صلح با امریکای متجاوز و اشغال‌گر دارد؛ در برابر آن کوتاه آمده و به آن امتیاز می‌دهد؛ درست کاری که در عراق صورت گرفت؛ آنگاه که با امضاء نمودن یک سلسله توافقات با امریکا، تداوم نفوذ آن در این سرزمین و وابسته‌گی عراق به امریکا را تضمین نمود و به امریکا اجازه داد تا هر وقت و به هر شکلی که خواسته باشد، می‌تواند در امور آن مداخله نماید. نباید فراموش کنیم که بستن هرگونه توافق صلح با دشمن اشغال‌گر قطعاً حرام است؛ آنجا که الله متعال می‌فرماید:

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ﴾ [محمد: 35]

ترجمه: پس (شما ای اهل ایمان در کار دین) سستی روا مدارید و (از ترس جنگ، کافران را) دعوت به صلح مکنید، که شما غالب و بلند مقام‌تر خواهید بود و الله با شماست و از (ثواب) اعمال شما هیچ نمی‌کاهد.

ممکن است کسی ادعا کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز با قریش توافق صلح امضاء نمود، باید گفت که استدلال چنین کسی به ساده‌گی مردود و غلط است؛ زیرا رسول الله علیه السلام هرگز با یک دولت اشغال‌گر توافق صلح امضاء نکرد. مکه ملکیت قریش بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده بود تا توافق آتش‌بس ده ساله‌ای را امضاء کند تا فرصت داشته باشد که به جنگ یهودیان خیبر بپردازد؛ یهودیانی که داشتند مخفیانه علیه دولت اسلامی دسیسه‌چینی و برنامه‌ریزی می‌کردند و قصد داشتند با ایجاد ائتلافی نظامی با قریش، بالای دولت رسول الله صلی الله علیه وسلم حمله نمایند. روشن است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به هدف خویش رسید و زمینه ائتلاف مذکور را در نطفه خنثی نمود. حالا باید پرسید که آیا می‌توان توافق حدیبیه را با توافق صلح با دشمنان امریکائی مقایسه نمود؟ دشمنانی که از هزاران کیلومتر فاصله و به گفته جورج بوش پسر "در یک جنگ صلیبی" به جنگ ما آمده‌اند؟

به نظر می‌رسد طالبان دارند گام به گام کوتاه می‌آیند؛ چنانچه زمانی حاضر نبودند تا خروج کامل امریکا با آن وارد گفتگو شوند، اما اینک عملاً دارند گفتگو می‌کنند و زمانی حاضر نبودند با دولت افغانستان گفتگو کنند و آن را بازیچه دست امریکای اشغال‌گر می‌خواندند، اما حالا آماده شده‌اند تا با آن وارد گفتگو شوند؛ در حالی که نه واقعیت امریکا تغییر خورده و نه هم واقعیت دولت افغانستان.

گام دیگری که طالبان به عقب برداشته‌اند، اینست که پذیرفته اند اشغال امریکا برای مدت حد اقل 9 و حد اکثر 30 ماه دیگر، بر اساس خواست دشمن اشغال‌گر، ادامه داشته باشد. آژانس فوق‌الذکر گفته که سخنگوی طالبان خبر منتشر شده توسط وول ستریت ژورنال امریکایی را در مورد پیشنهاد امریکا مبنی بر خروج نیروهایش از افغانستان در جریان دو و نیم سال، رد نموده و گفته که طالبان اصرار دارند این مدت نباید از 9 ماه فراتر رود، چنانچه سخن‌گویی یاد شده گفت: «من نیز این گزارش‌ها را خوانده‌ام، اما این موضوع هنوز زیر مناقشه قرار دارد و تا کنون در مورد جدول زمانی خروج نیروهای امریکائی به توافق نرسیده‌ایم.» سخن‌گویی طالبان فراموش نموده که چنین دشمنی باید فوراً و بدون هیچ‌گونه تأخیر، حتی برای یک روز، بیرون رود و بدون اندکی ترحم و تا وادار نمودن آن به خروج ذلیلانه، باید مقاومت نموده و آن را سرکوب نمود.

گروه طالبان در یک مورد دیگر نیز کوتاه آمده اند، چنانچه آژانس خبری روسی فوق به نقل از سخن‌گویی طالبان گفت: «شکی نیست که روسیه و چین توافق‌نامه را ضمانت خواهند نمود.» می‌دانیم که چین و روسیه نیز در دشمنی با مسلمانان دست کمی از امریکا ندارند؛ کشتارهای روسیه در زمان اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان و ویرانی این سرزمین را طالبان فراموش کرده‌اند و یا خود را به فراموشی می‌زنند؟ جنگ روسیه با مسلمانان سوریه و حمایت‌اش از نظام سفاک و خون‌خوار بشار اسد تا هنوز ادامه دارد، اشغال جزیره کریمیه و ظلم و ستم آن در حق مسلمانان این جزیره در گذشته و حال، جنایات روسیه در حق مسلمانان چین و ویران نمودن پایتخت آن "گروزی" در دهه نود قرن گذشته، آنجا که وعده‌اش را نادیده گرفت و با خشونت تمام آنان را وادار به

اطاعت از حاکمیت خود نمود؛ آنگاه که منطقه قفقاز را به اشغال خود در آورد و میلیون‌ها تن از مردم مسلمان این سرزمین را با بی‌رحمی کامل به شهادت رسانید و یا آنان را وادار به مهاجرت نمود؛ پس آیا می‌توان چنین دولت و نظامی را به عنوان ضامن برگزید و به آن اعتماد نمود؟

و اما چین، که در حال حاضر ترکستان شرقی را به اشغال خود در آورده و تا کنون میلیون‌ها تن از مسلمانان ساکن در این منطقه را کشته و یا بی‌خانمان نموده و میلیون‌ها تن را در زندان‌ها نگهداری می‌کند تا آنان را از اسلام روی‌گردان کند و اسلام را نوعی دیوانه‌گی تلقی می‌کند. پرسش ما از طالبان این است که آیا چنین دولتی را می‌توان به عنوان دولت ضامن برگزید؟ چرا گروه طالبان تمام این واقعیت‌ها را فراموش نموده و به مسائل سایر مسلمانان اهمیت نمی‌دهد؟ چرا مکر و خیانت‌های بی‌شمار روسیه و چین علیه برادران مسلمان شان را فراموش نموده و این دو دشمن واضح و آشکارا را به صفت ضامن می‌پذیرند؟ به علاوه این که ثبات و پایداری نظامی که امریکا در افغانستان برپا نموده، برای روسیه و چین اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در این صورت از خاک افغانستان به مسلمانان درمانده در چین و روسیه کمکی صورت نخواهد گرفت.

زلمی خلیل‌زاد نماینده امریکا عازم دوحه شد تا گفتگوهای صلح را از بیست و دوم ماه جاری تا اول ماه آینده برای تحقق اهداف امریکا ادامه دهد. خلیل‌زاد تأکید نمود: «دو طرف در خصوص چهار عنصر اساسی توافق‌نامه پیش‌رفت‌های قابل ملاحظه‌ای حاصل نموده اند که عبارت است از: تضمین توقف فعالیت‌های تروریستی، خروج نیروهای خارجی، مشارکت در گفتگوهای بین‌افغانی و آتش‌بس فراگیر و دائمی.»

مایک پومپئو وزیر خارجه امریکا نیز در اظهاراتی در اخیر ماه گذشته گفت: «امریکا به توافقی با طالبان در خصوص تأمین صلح در افغانستان چشم بسته که باید پیش از ماه جولای آینده به دست آید.» پس امریکا در حالی که خود بزرگ‌ترین و نخستین دولت تروریست و متجاوز است، جهاد علیه اشغال‌گری‌هایش را تروریزم می‌خواند و می‌خواهد جهادی که در منطقه علیه آن جریان دارد، کاملاً متوقف شده و نظامی را که در افغانستان برپا نموده، توسط طالبان به رسمیت شناخته شود و طالبان خود در آن سهم بگیرند.

در عین حال؛ ترامپ رئیس‌جمهور امریکا در جریان کنفرانس مطبوعاتی در قصر سفید که به تاریخ 22 جولای 2019م با عمران خان نخست وزیر پاکستان داشت، با تکبر و غرور گفت: «در مورد حل قضیه افغانستان نقشه‌هایی دارم، اگر بخواهم در آن جنگ پیروز شوم، افغانستان از روی زمین محو خواهد شد و این کار فقط در ظرف ده روز صورت می‌گیرد. اما من نمی‌خواهم این کار را بکنم، نمی‌خواهم وارد چنین مسیری شوم.» (منبع: خبرگزاری رویترز) انتظار می‌رفت طالبان به این اظهارات متکبرانه ترامپ اعتراض نموده و روند مذاکره با امریکا را متوقف کنند و دیگر هرگز تن به مذاکره ندهند تا امریکا متوجه شود که در این سرزمین مردانی مؤمن وجود دارد که از زور و قدرت امریکا بیم ندارند. اما معلوم شد که گروه طالبان چنین موقفی از خود نشان ندادند، بلکه سرهای شان را به سان شترمرغ زیر خاک نموده و مذاکرات را ادامه دادند و اصرار دارند این مذاکراتی که به وضوح به نفع امریکا است، موفقانه به پایان رسد؛ امریکائی که اینک در تنگنای طولانی‌ترین جنگ در تاریخ خویش گیر مانده و به این نتیجه رسیده که نمی‌تواند با جنگ از آن پیروز بدر آید. پس امریکا خود بسان طالبان و مردم افغانستان دارد از این جنگ درد و زجر می‌کشد، چنان‌چه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا

حَكِيمًا﴾ [نساء: 104]

ترجمه: و در راه تعقیب دشمن (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آن‌ها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند؛ ولی شما امیدی از الله دارید که آن‌ها ندارند و الله دانا و حکیم است.

به همین دلیل است که ترامپ گفت: «امیدوارم پاکستان برخاسته و برای دستیابی به راه‌حل سیاسی جهت پایان دادن به جنگی که از 18 سال به این طرف در افغانستان جریان دارد، همکاری کند.» پس امریکا عملاً در تنگنای شدیدی گیر مانده. دولت بزرگ جهان، با وجود امکانات بی‌شمارش، توان پیروزی در این جنگ را از دست داده و نمی‌تواند هشدارهای را که داده بود، عملی نماید، یعنی تمام آن غریدن‌ها در حقیقت هذیان و مزخرف‌گوئی بیش نیست که ترامپ به دلیل تنگ شدن حلقه تنگنا شروع به هشدار دادن به محو افغانستان از نقشه جهان نموده و از پاکستان می‌خواهد امریکا را در این روند کمک کند؛ در حالی که همه می‌دانند که پاکستان همواره در خدمت امریکا بوده و آن را کمک کرده، چنان‌چه عمران خان خود به این مسأله اعتراف نموده گفت: «پاکستان در راه امریکا قربانی‌ها داده، ده‌ها هزار سرباز و بیشتر از 20 میلیارد دالر را در این راستا از دست داده.» عمران خان در حالی این اظهارات را سر داد که در کنار ترامپ ایستاده بود و هشدارهایش به افغانستان را مستقیماً شنید؛ اما انگار این هشدارها هیچ ربطی به او ندارد؛ در حالی که اظهارات هشدارآمیز ترامپ در حقیقت شامل پاکستان نیز می‌شود؛ زیرا افغانستان نیز به دلیل این که بخشی از سرزمین‌های اسلامی است، سرزمین عمران خان نیز هست و مکلف است از آن دفاع نماید. اما عمران خان در عوض دفاع و استدلال با ترامپ به خاطر این اظهارات‌اش، سعی می‌کند خود را دوست نزدیک امریکا نشان داده و برای کمک و کسب رضایت امریکا آماده هر نوع خدمت‌گزاری باشد؛ چنان‌چه در واکنش به دساتیر ترامپ فوراً چنین گفت: «به زودی با طالبان ملاقات نموده و با تمام توان سعی خواهیم نمود آنان را قناعت دهم که با حکومت افغانستان وارد گفتگو شوند.»

حکومت افغانستان در واکنش به اظهارات ترامپ طوری موفق گرفت که انگار مشکل را خود حل و فصل خواهد نمود، چنان‌چه صدیق صدیقی سخن‌گوی ریاست جمهوری افغانستان گفت: «افغانستان به هیچ نیروی خارجی اجازه نخواهد داد سرنوشت‌اش را تعیین نماید.» صدیقی طوری سخن می‌زد که انگار نظام حاکم در افغانستان بخشی از سرنوشت خویش را در دست دارد، در حالی که امریکای اشغال‌گر آن را برپا نموده و پیوسته بالای آن اشراف دارد و جهت حرکت آن را مشخص می‌نماید. اگر این نظام ذره‌ای حیاء می‌داشت، فوراً اعلان می‌نمود که دیگر وابسته به امریکا نیست و خواهان خروج فوری آن از خاک افغانستان می‌شد.

شکی وجود ندارد که موقف‌گیری‌های این سه جهت؛ پاکستان، افغانستان و طالبان در برابر اظهارات ترامپ و موقف امریکا، کاملاً لرزان و ذلیلانه بوده و موقعی را اتخاذ نکرده اند که دین حنیف‌شان از آنان خواسته است؛ طوری که همه در برابر دشمن‌شان متحد شده و از آن بخواهند که فوراً از سرزمین‌شان بیرون رود، تمام روابط خویش را با آن قطع نموده و هیچ‌گونه توافقی را با آن امضاء نکنند و آن را وادار کنند در بدل خساراتی که به آنان وارد نموده و خون‌های پاک‌ی که از مردم‌شان ریختانده، صدها میلیارد دالر را به گونه غرامت بپردازد. سپس در راستای ایجاد وحدت واقعی در میان دو سرزمین "پاکستان و افغانستان" سعی و تلاش بی‌وقفه نمایند و این دو سرزمین را تبدیل به نقطه آغاز و تحرک دولت خلافت راشده بر منهد نمود گردانند و در این راستا از حزب التحریر کمک

بگیرند تا برای شان نشان دهد که چگونه می توان این دولت را برپا نمود و چگونه می توان آن را اداره کرد؛ نظامها و سیاستهای آن چگونه خواهد بود و این که این دولت نوپا با امریکا، روسیه و چین چگونه باید تعامل نماید؟ بلکه راه بهترش این است که به حزب التحریر نصرت داده و حاکمیت را به آن بسپارند؛ زیرا این حزب به خواست الله سبحانه و تعالی توان انجام چنین مسؤولیتی را در خود می بیند؛ زیرا تمام این واقعیتها را به خوبی درک نموده و ساختار دولت اسلامی را آماده نموده است و از شباب خویش کدرهای کافی و توانائی را برای اداره نمودن چنین دولتی تربیت کرده؛ دولتی که به خواست الله متعال و لطف بی کران او، در جایگاه دولت نخست جهان خواهد ایستاد.

نویسنده: اسعد منصور

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

26 ذی القعدة 1440 هـ.ق

دو شنبه 29 جولای 2019م

مترجم: عبدالله دانشجو